

عزرو سلیم راهی کربلا شد

• سروده‌ی: صدیقه ارزبین





سرشناسه: ارزبین، صدیقه، ۱۳۶۲

عنوان و نام پدیدآور: عروسکم راهی کربلا شد. شعر عاشورا.

مشخصات نشر: تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، موسسه

فرهنگی منادی تربیت، ۱۴۰۲. مشخصات ظاهری: ۲۴ص.: مصور(رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۵۰۹-۲ وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۲۰th century -- Persian poetry

شناسه افزوده: ایران. وزارت آموزش و پرورش. موسسه فرهنگی منادی تربیت

رده بندی کنگره: PIR۸۲۹۹

رده بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۹۱۸۱۴۶۰

www.ketab.ir



عروند الهی نربلاشد

- سروده‌ی: سید علی آرا بیری
- با تشکر از خانمها دبیبه خدابخشی و سعیده عباسزاده
- تصویرگر: گروه تصویرسازی، طراحی گرافیک مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
- ناشر: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: دقت
- چاپ اول: ۱۴۰۲ / چاپ ششم: ۱۴۰۳
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / شمارگان چاپ‌های قبلی: ۱۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۵۰۹-۲
- قیمت: ۶۰۰۰۰۰ ریال

Email.info@monadi.org WWW.monadi.org

- تهران: خیابان استاد نجات‌الهی - بین چهارراه سمیه و طالقانی کوچه رضا مقدسی (بیمه سابق) - پلاک ۲۶
- تلفن فروشگاه: ۸۸۹۳۱۸۵۲ ● تلفن پخش: ۸۸۹۱۲۷۲۸
- نمابر: ۸۸۸۹۴۲۹۰



هزاران گام در راه است و دل مشتاق و من حیران
که ره چون می‌توانم یافتن سوی درون من هم

سخنی با والدین

سفر اربعین، حرکت تک تک ذرات عالم به سمت مغناطیس حسینی است. نیت سفر که می‌کنیم از امروزمان جدا می‌شویم، از عادت‌هایمان می‌گذریم و عناوینمان ابتدای جاده جا می‌مانند. در مسیر حظ می‌بریم از سفره‌ی کریمانه‌ی امام و روی گردن برخی، مدال افتخار خادمی می‌نشیند. در این جاده رنگ پوست و لهجه جدایمان نمی‌کند. شهری و روستایی و غربی و شرقی بودمان دیوار نیست. یا زائرالحسین هستیم یا خادم الحسین. حسین خردی همه‌ی نام و نشان‌های مسیر است.

در این کتاب، سهم کوچکی از آنجایی که در مسیر اربعین توشه برداشته بودیم، به دنیای کودکان آورده‌ایم. تمام تلاش‌های ما بر این بوده که درکی کودکانه از مفاهیم ارزشمندی چون خدمت، کرامت، وحدت، نجات و هر آنچه در سفره‌ی سفر اربعین برای روح و جانمان رخ می‌دهد را با زبانی کودکانه رقم بزنیم.

داستان آغاز می‌شود و بچه‌ها می‌خواهند همه‌ی روزمره‌هایشان را با خود به سفر ببرند. با راهنمایی والدین متوجه می‌شوند که این سفر با باقی سفرها فرق می‌کند. خانواده به طور آگاهانه تغییری را در سبک زندگی کودکان ایجاد می‌کند. ترجمه‌ی این مسئله به زبان کودک، سبک‌بازی‌هایی است که اکثرشان از کوله بیرون می‌مانند و کودک این مرحله را با رضایت و انتخاب خودش طی می‌کند.

با ورود به مسیر کربلا، بچه‌ها ابتدا شگفت‌زده می‌شوند و سپس می‌پذیرند، این‌جا با همه‌ی دنیا فرق دارد. می‌فهمند که چیز دیگری در بین آدم‌ها





جریان دارد که همه‌ی قاعده‌ها را تغییر داده است. حضور در این اقیانوس کریمانه، بچه‌ها را به سمت کرامت و خدمت حرکت می‌دهد. رقیه می‌نشیند و برای بقیه‌ی بچه‌ها، عروسک می‌سازد و هر آن‌چه تصورش را می‌کنند به صورت بی دریغ از سمت دیگران در دسترسشان است.

ارتباط با سایر شیعیان جهان، از فرصت‌هایست که در این سفر باید مغتنم بشماریم. وحدت و رفاقتِ ملت‌ها جزئی از محبت اسلامی ماست. رقیه یک دختر عرب عراقی است که با خانواده‌شان در مسیر، موکب دارند و در سیر داستان همدلی دلنشینی بین رقیه و طهورا صورت می‌گیرد، نمایش کوتاهی است از شعار زیبای «حب‌الرحمنین علی‌السلام» یجمعنا». محور دوستی این دو دختر، همکاری برای کمک به موکب است و این همان وحدت است که در وجود انسان‌ها به عشق سالار کربلا جوانه زده است و آن‌ها را فارغ از رنگ و قومیت و نژاد، پیوند می‌دهد.

طهورا در مسیر کربلا، عزیزترین دارایی‌اش را از دست می‌دهد. چالشی که مخاطب کودک را به خوبی درک کرده و همدلانه برای شنیدن ادامه‌ی ماجرا پایِ قصه می‌نشانند. طهورا که با اشاره‌ی مادر بزرگ، به دعای زائران امام حسین (علیه‌السلام) ایمان دارد، از آن‌ها می‌خواهد برای پیدا شدن عزیز گمشده‌اش دعا کنند. اما در این حین، اتفاق دیگری رخ می‌دهد. شمع خامی برای زائرین کربلا، به دل طهورا نشسته است. اگرچه هنوز خبری از عروسکش نیست، ولی شادی تجربه‌ی خدمت، حال دلش را تغییر داده. در همین اثنا رقیه بالاخره طهورا را پیدا کرده و تصویری مثبت از انسان‌داری خادمین موکب را به نمایش می‌گذارد.

در پایان، بچه‌ها که از روز کوله بستن تا امروز، مسیری کودکانه از سلوک را طی کرده‌اند، اذن سلام به حضرت امام (علیه‌السلام) و زیارت ایشان را پیدا می‌کنند؛ رو به ضریح می‌ایستند و با تعابیر کودکانه‌ی خویش، به امامشان سلام می‌دهند.